

که در قالب تلاش جهانی انجام می‌پذیرد، پشتیبانی کنند.  
من از موزه‌ها، نگارخانه‌ها، کتابخانه‌ها، آثارهایی که منعکس-  
کننده درخشش نبوغ آتن هستند، دعوت می‌کنم، نمایشگاه‌ها، نمایشها و  
تظاهراتی برای نجات آکروپول ترتیب دهند و درآمد آن‌را به صندوقی که در  
کشورهای عضو بوجود آمده یا به صندوق بین‌المللی که توسط یونسکو  
ایجاد شده است، بریزند.

من از هنرمندان، نویسندگان، منتقدان، تاریخ‌نویسان و موسیقیدانانی  
که هنرشان در یونان باستان ریشه دارد و همچنین از تمام کسانی که  
مأموریتشان آگاه ساختن مردم است: روزنامه‌نگاران، گزارشگران،  
کارکنان حرفه‌ی مطبوعات نوشته و گویا، تلویزیون و سینما دعوت می‌کنم  
بما کمک کنند و با دانش و استعداد خود افکار عمومی تمامی ملت‌ها را  
نسبت باین موضوع جلب نمایند.

همینطور، من از شاگردان مدارس، دانشجویان، استادان، دعوت  
می‌کنم که در ارتباط با کمیسیون ملی یونسکو در کشورشان، در تمام  
مدارس و دانشگاه‌ها، به جمع‌آوری وجوهی بپردازند که حاصلش صرف  
حفظ گل سرسید تمدنی خواهد شد که علم و هنر و فلسفه در جهان  
امروز ما، هنوز دین بزرگی نسبت به آن احساس می‌کند.

بالاخره من از تمام کسانی که میلیون میلیون، از آتن بازدید  
کرده یا می‌کنند و نیز از تمام کسانی که شاید هرگز چنین امکانی بدست  
نیاورند، ولی صرفنظر از ریشه فرهنگی‌شان بخوبی احساس می‌کنند که  
گنجینه‌های آکروپول نشان اوج نبوغ خلاق انسانی است، دعوت می‌کنم  
سبمی هر چند کوچک هم که باشد باین حساب منظور دارند و به این  
ترتیب امکان یابند در این تلاش جمعی، اندکی از خودشان مایه بگذارند.  
شک ندارم که این بار نیز بشریت میراثش را باز خواهد شناخت  
و آنرا نجات خواهد داد و بدین ترتیب از وراء گوناگونی مرام‌ها و  
نظام‌های حکومتی، وجود این وحدت معنوی را که الهام بخش جهان  
ماست، بیشتر از پیش تأکید خواهد کرد، جهانی که در آن، ملت‌ها، با  
آگاهی به استقلال و سرنوشت مشترک خود می‌خواهند تا نظام تازه‌ی  
براساس همبستگی ملت‌ها بنا کنند.

آمانو-مپتارامبو

# ابلا

کشف

یک پایتخت

شکوهمند

در ۴۰۰۰ سال پیش

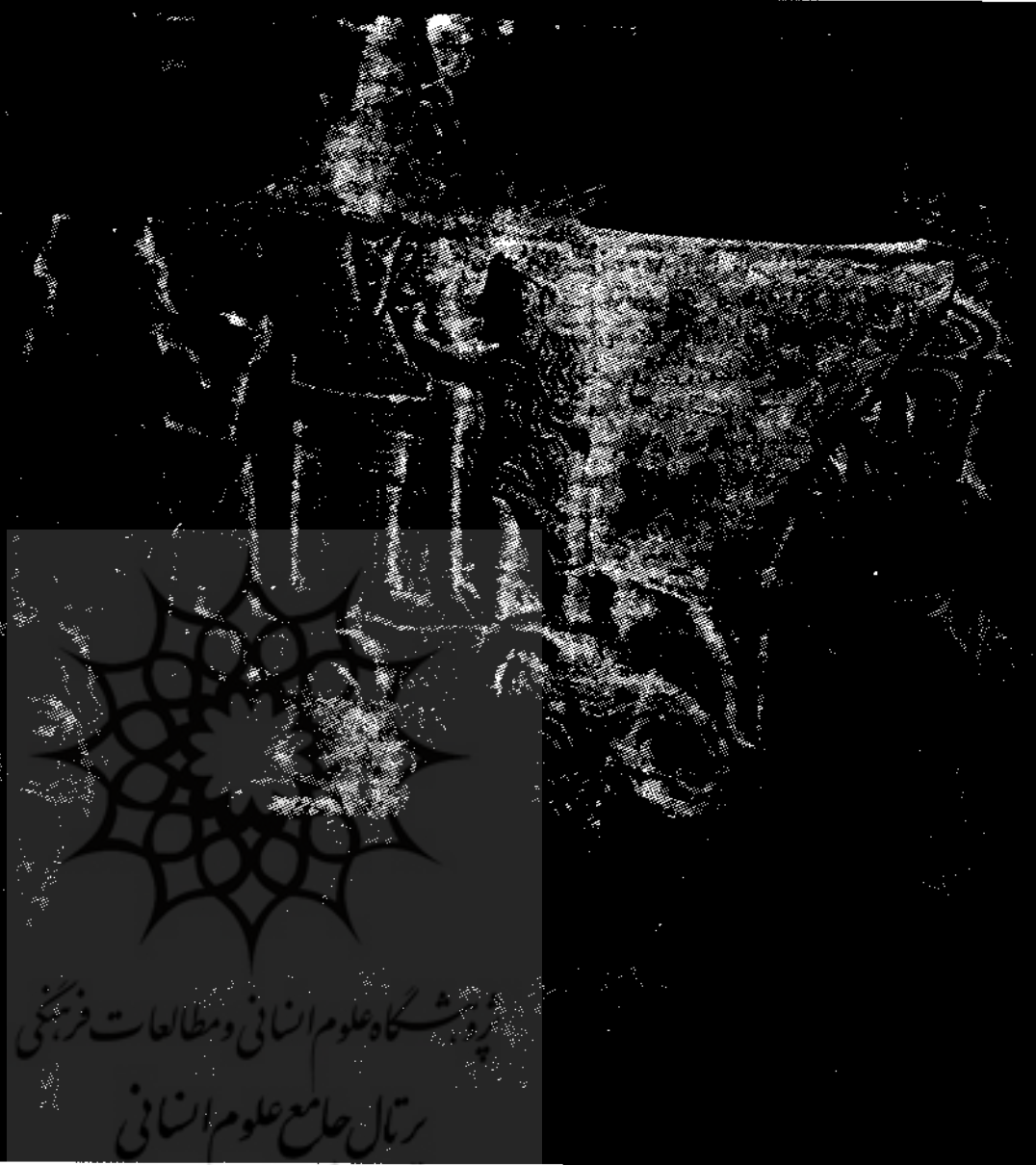
در سوریه

نوشته پائولو ماتیه

پائولوماتیه «Paolo Mattiae» باستانشناس ایتالیایی، ریاست مؤسسه مطالعه  
خاور نزدیک را برعهده دارد و استاد باستانشناسی و تاریخ هنر خاور نزدیک در  
دانشگاه رم است. او از سال ۱۹۶۴ هیئت باستانشناسی ایتالیا را در سوریه  
رهبری می‌کند. کاوشهای این هیئت که با همکاری اداره کل آثار باستانی،  
(دمشق) در این منطقه صورت گرفت، به کشف محل باستانی ابلا انجامید. او در  
پرتو اکتشافی‌های خود به تجدیدنظری انتقادی در تاریخ هنر خاورمیانه در دوران  
باستان دست زد.

این حوضچه تطهیرکننده با دو مخزن آب که شاهی از آیین‌های مذهبی دوران باستان است، اخیراً در یکی از معابد ابلا که یکی از شهرهای قدرتمند سوریه در چهارهزار سال پیش بود، بدست آمده است. این ظرف با دوکتیبه کنده‌کاری شده که بر بالای هم قرار دارند، تزیین شده است. در بالا تصویر افرادی با ریش بلند که دامن‌های ریشه‌دار به تن دارند و در پایین سر شیرهایی که در خود جمع شده‌اند، دیده می‌شود. این حوضچه که در ۱۹۵۰ قبل از میلاد ساخته شده است، محتوی آب تطهیرکننده‌ی بود که در اختیار مؤمنان قرار داشت. این اثر یکی از قدیمترین بقایای هنر تجسمی سوریه است (به‌صفا ۱۴ نیز نگاه کنید).

Photo © Paolo Matthiae, Italia



پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

بوقوع پیوست، بویژه در منطقه‌ی که سوریه امروز را تشکیل می‌دهد، تاکنون مبهم باقی مانده بود.

البته برخی آثار باستانی حاکی از فرهنگهایی که بدنبال یکدیگر آمده بودند، در نقاط مختلف بدست آمده بودند. مثلاً در نزدیکی آنتیوش در ترکیه و یا در حمص در کوهپایه لبنان، در شمال سوریه. از طرف دیگر اطلاعات تاریخی به‌معنای اخص، در متون بین‌النهرین، و سومری و آکادی، تنها به‌بردن نام چند شهر که توسط پادشاهان بزرگ آکاد (از ۲۳۴۰ تا ۲۲۲۰) فتح شدند یا در حوالی سالهای ۲۱۲۰ تا ۲۰۰۰ خراج‌گذار سلاطین «اور» بودند، اکتفا شده بود.

گویند که تاکنون درباره آن، جز اطلاعات مبهم وجسته گریخته‌ی وجود نداشته است. اما یقین است که دامنه این کشف از محدوده تنگ شمال سوریه فراتر می‌رود و سراسر خاور نزدیک را دربرمی‌گیرد.

طی قرنهای آخر چهارمین هزاره قبل از میلاد، تمدن شهری در جنوب بین‌النهرین رو به‌گسترش نهاد و روز به‌روز بر تعداد شهرهای این منطقه افزوده شد، شهری چون «اوروک» که در ساحل چپ فرات قرار داشت و مرکز بزرگ تمدن سومریها بشمار می‌رفت، نمونه قابل توجهی از این توسعه شهرهاست. باوجود این، جریان گسترش این تمدن شهری که طی هزاره سوم در تمامی خاور نزدیک

کشف اخیر بایگانی سلطنتی ابلا استان، که بیش از ۴۰۰۰ سال از عمرش می‌گذرد و در نزدیکی حلب در سوریه قرار دارد، در مطالعه منطقه خاور نزدیک، داده‌های کاملاً دگرگون‌کننده‌ی وارد کرده است.

کشف آثار ابلا «Ebla» مدیون هیئت باستانشناسان ایتالیایی دانشگاه رم است. معنای واقعی اکتشافهای انجام شده در این پایتخت بین‌النهرین، که حتی محل آن ناشناخته مانده بود، تنها چند دهه دیگر بروشنی معلوم خواهد شد. زیرا متونی که در کاوشهای ایتالیاییان بدست آمده است از زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فرهنگی خاور نزدیک در دوره باشکوهی (۲۳۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد) سخن می‌

بنابراین بعزت فقدان منابع تاریخی و باستانشناسی، فرض می‌شود، فرهنگ شهری بین‌النهرین که در سومین هزاره قبل از میلاد در سواحل سفلی دجله و فرات توسعه یافته بود، تمامی فرهنگهای شهری خاورمیانه را تحت تأثیر خود داشت و این فرهنگها به یک معنی از فرهنگ بین‌النهرین الگو برداشته بودند.

حال آنکه هدف پژوهشهای انجام شده در سوریه، بوسیله هیئت باستان‌شناسان ایتالیایی دانشگاه رم که در ۱۹۶۴ تأسیس شد، دقیقاً روشن کردن این مسائل ناشناخته درباره ریشه‌های فرهنگ شهری سوریه و پیشرفت آن در مقابل حوزه بین‌النهرین بود.

باین منظور، این گروه پسرپرستی من، بر آن شد که کاوشی منظم در تل - مردیخ، انجام دهد. این تپه عظیم که در ۶۰ کیلومتری جنوب حلب، در شمال سوریه قرار دارد، یک برجستگی آشکارا مصنوعی بود و احتمال داشت که بقایایی از یک مرکز مهم شهری را در خود پنهان کرده باشد.

اداره کل آثار باستانی و موزه‌های جمهوری عربی سوریه اجازه کاوش داد و از سوی دیگر، طی فعالیتها، حمایت دائمی و همکاری ارزشمند خود را از هیئت ایتالیایی دریغ نکرد. در کاوشهایی که طی سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۲ بر فراز تپه و مرکز آن انجام گرفت، شهر بسیار مهمی کشف شد که می‌بایستی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۱۷۰۰ یا ۱۶۰۰ قبل از میلاد در اوج ترقی بوده باشد. یعنی دورانی که به نام دوره سلسله‌های «آموری» بین‌النهرین شناخته شده و همورابی، پادشاه مشهور بابل به آن تعلق داشته است.

این شهر دارای وسعتی در حدود ۵۶ هکتار بوده و بر قله آن قلعه‌ای قرار داشت که مشرف بر شهر بوده و بوسیله صحنی با دیوارهای متعدد حفاظت می‌شده است که پهنای زیر بنای آن به ۶۰ متر نیز می‌رسیده است. چهار دروازه عظیم بروی شهر باز می‌شده که دارای استحکامات نظامی بوده و در اطراف هر یک، دژی با برج و بارو قرار داشته است. هر یک از این دروازه‌ها از دو تا سه در بهم چسبیده باطاق قوسی تشکیل می‌یافته و پیرامون آنها ستونهایی پوشیده از قطعات بازالت و آهک قرار داشته است.

از دروازه‌های شهر، شاهراههای اصلی به قلعه مشرف بر شهر منشعب می‌شده‌اند و شهر را در قسمت سفلی به محله‌های مسکونی تقسیم می‌کرده‌اند. در اطراف قلعه، ساختمانهای اداری و مذهبی در زمین شیب‌دار، بشکل مطبق ساخته شده بودند.

هر معبد به یک الهه خاص تعلق داشته است. بطور کلی این معابد فقط شامل یک تالار مرکزی با ساختی حجیم و بلند بودند که باتمام حجم خود بر پهنه پرتراکم‌خانه‌های یک طبقه

خشتی تسلط داشتند.

کاخ سلطنتی بر قلعه مرکزی، استوار بوده‌است. این بنا از سنگهای تراشیده و صاف که طی قرون بشدت صدمه دیده‌اند، تشکیل می‌شده است (مصالح آن را برای استفاده مجدد، تاراج کرده بودند).

در نزدیکی کاخ، معبد بزرگتر را داشت، که برخلاف معابد کوچک از یک ردیف اتاقهای تو در تو تشکیل می‌شده و مجسمه خدای معبد در آن قرار داشته و سپس به یک دخمه عمیق مخصوص آیینهای مذهبی می‌رسیده که پیش از آن اتاقکی کوتاه‌تر و پاگردی بانمای باز قرار گرفته بوده و پلکانی از دو طرف به آن منتهی می‌شده است.

در ۱۹۶۸، هیئت ایتالیایی به کشف بسیار مهمی در یکی از معابد شهر نائل آمد. بدین معنی که نیمه‌تنه مجسمه‌یی را پیدا کرد که بروی آن عباراتی بزبان آکادی و به خط میخی، به این مضمون حک شده بود: ایبیت - لیم، پسر سلطان ایگریش خپ، پادشاه ابلا. تاریخ این مجسمه تقریباً ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد است.

بنابراین، شهر مدفون در تل - مردیخ، همان ابلا می‌باشد که در حقیقت، قبل از کاوشهای هیئت ایتالیایی چیز زیادی در باره اش نمی‌دانستیم. ضمن نوشته‌های بین‌النهرین در سومین هزاره قبل از میلاد، بزبان سومری و آکادی از ابلا به عنوان شهری یاد می‌کنند که

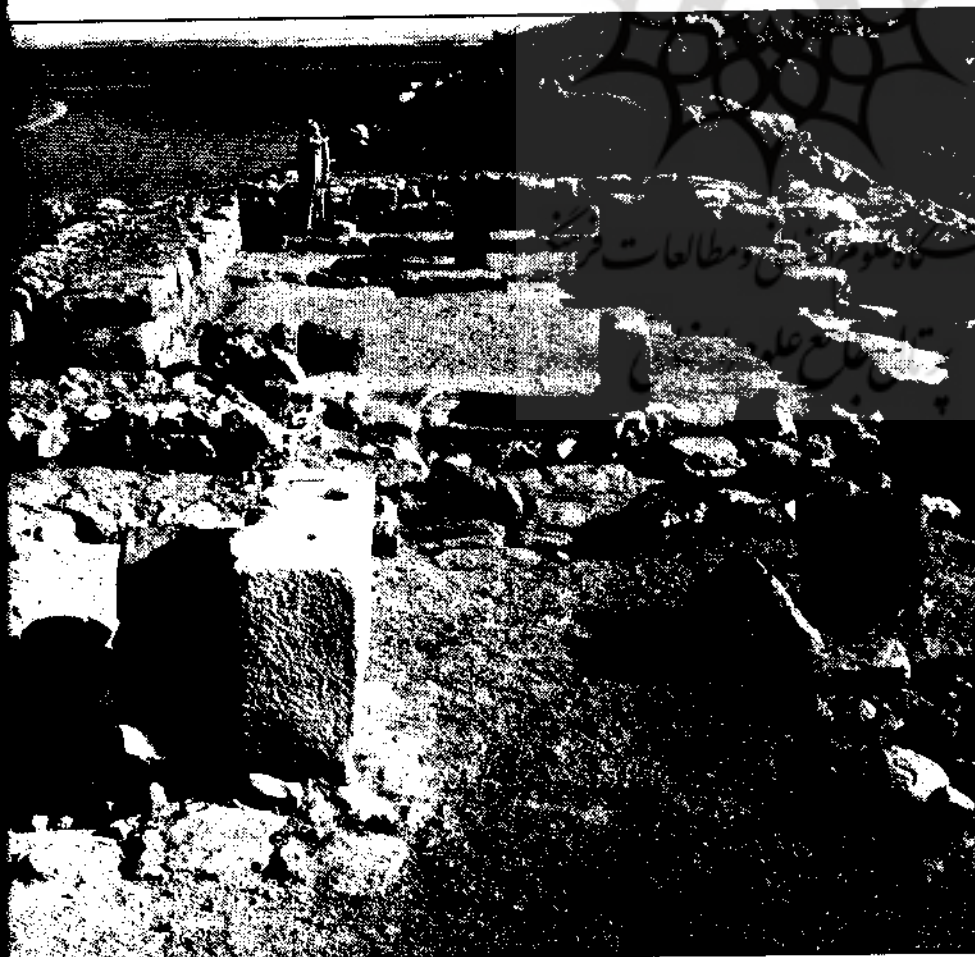
نیرومند و مرفه بود، ولی با اینهمه در حدود سال ۲۳۰۰ قبل از میلاد مجبور شد در مقابل سارگون، پادشاه آکاد، تسلیم شود؛ سپس بین سالهای ۲۲۵۰ و ۲۲۲۰ بدست نوه سارگون، نارام‌سین، افتاد. بعدها، ابلا استقلالش را باز یافت و در فاصله سالهای ۲۱۵۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد دوباره رونق و اعتبار گرفت.

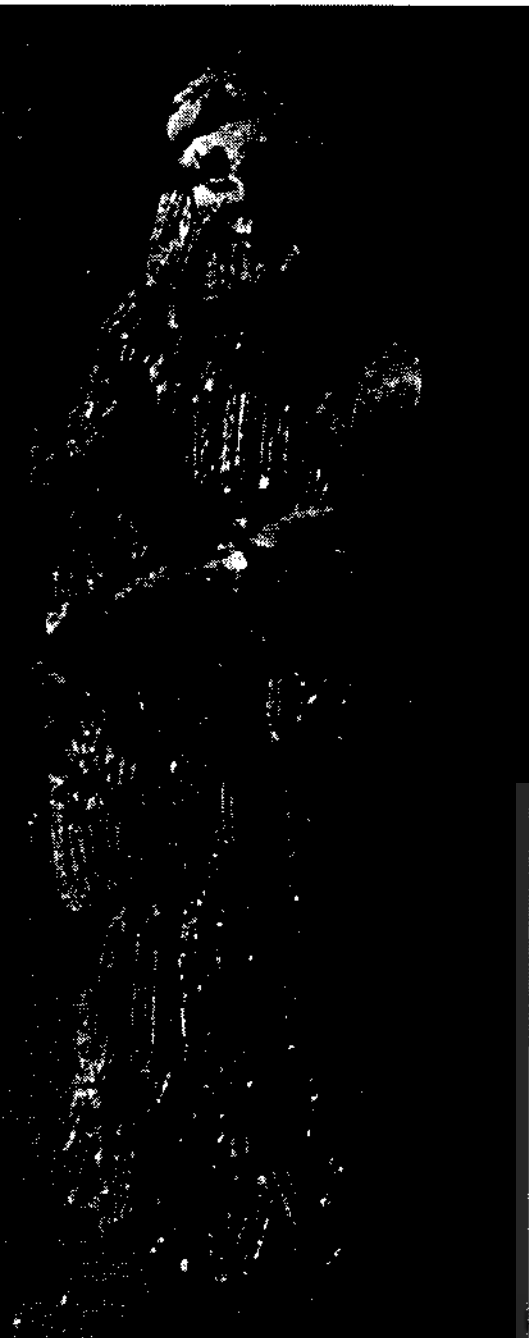
بعد از سال ۲۰۰۰، در متون بدست آمده، به ندرت نامی از این شهر برده شده است. در مورد وجود پادشاهی در ابلا، در حدود سال ۱۷۰۰، نیز دلائلی در دست است. ولی احتمال دارد که بعد از سال ۱۶۰۰ این شهر به ویرانه‌یی تبدیل شده باشد. فرعون بزرگ توتموسیس سوم در سال ۱۵۰۰ آنرا ظاهراً بچنین صورتی دیده است. او در یکی از آثار کارناک، از این شهر به عنوان محلی نام برده است که ارتش مصر در پیشروی پیروزمندانه خود به سوی فرات، از آن عبور کرده‌است.

پس از آن فراموشی محض است. حتی نام ابلا از یاد انسانها رفت.

با اینهمه کاوشهای ایتالیاییان نشان داد که قرن‌ها بعد، باز هم این محل کم یا بیش مسکونی بوده است، زیرا در سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد، در دوره‌یی که آرامیها در سوریه مستقر شدند، دژ کوچکی بروی قلعه سابق ابلا ساخته شد و یک قرن بعد از آن، در دوره هخامنشی قصبه محقری در آنجا بوجود آمد.

پس از آن هر نوع اثری از جمعیت از





شناخته می‌شد تا بعنوان محل خاص رشد يك فرهنگ مستقل.

حال آنکه آنچه اینک از سال ۲۰۰۰ تا سال ۱۶۰۰ پیش از میلاد از ابلای بدست آمده، امکان می‌دهد که در این قضاوت سنتی بطور بنیانی تجدیدنظر کرد. زیرا دوران سلسله‌های آموری، که درست‌تر است دوره دیرینه سوریه خوانده شود، دوره شکل‌گیری فرهنگ خاص سوریه است، فرهنگی که چه در سازماندهی شهری و در کسبای معماری و چه در دید هنری‌اش، عناصر کاملاً بدیمی وجود دارد.

تا نخستین هزاره قبل از میلاد، این فرهنگ را می‌توان در مراکز شهری دیگری در شمال سوریه نیز باز یافت. اما این اصالت فرهنگی که شواهد آن از قل - مردیخ بدست آمده، مسئله بایگانی تاریخی این فرهنگ را پیش می‌کشید، که هیئت ایتالیایی از سال ۱۹۷۳ به بعد، توجه خاصی به آن معطوف داشت. این هیئت تمام پژوهشهای خود را بر روی آثار باقیمانده از هزاره سوم متمرکز کرد تا آنچه را که در ابلای پس از ویران شدنش به دست سارگون و بعد بدست نارام - سین، بجا مانده بود، باز یابد.

در واقع، گواندا، فرمانروای شهر سومری لاگاش، در هزاره سوم قبل از میلاد، از فلات مرتفع ابلای بعنوان محلی که لاگاش از آن چوب وارد می‌کند، یاد کرده است. از طرف دیگر، در متون اداری «اور»، متعلق به ۲۰۰۰ سال

آنجا محو گردید. زمین دوباره بوضع اول خود بازگشت و تپه، صحنه کارهای کشاورزی شد. فقط در قرون وسطی، طی مدت کوتاهی، شاید يك فصل، يك گروه نظامی در آنجا اردو زد. وجود این اردو شاید در ارتباط با درگیری‌هایی بود که طی جنگهای صلیبی این منطقه را کاملاً ویران کرد.

بنابراین، تصویر بازیافته ابلای که مرهون کاوشهای هیئت ایتالیایی است، اهمیتی اساسی در شناخت تاریخ فرهنگهای سوریه دارد. چنین پیداست که ابلای در حدود سال ۲۰۰۰ و سپس در سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۷۰۰ مرکز بزرگ سیاسی مناطق شمالی سوریه بوده و بعدها بصورت یکی از ممالک خراج‌گزار حلب که یکی از دولت‌های بزرگ دوره همورایی بوده، درآمده است.

باستانشناسان ایتالیایی برآنند که ابلای در دوران شکوهش در حدود ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر جمعیت داشته است (این تعداد شهرنشین برای آن دوره، جمعیت عظیمی بوده است).

در حوالی ۱۶۰۰، ابلای، بی‌شک بدنیاال هجوم هیتی‌ها، از میان رفته است. هیتی‌ها سپس طرف چند سال، حلب، و پس از آن بابل را بهنگام لشکرکشی‌های هاتوسیل اول و مورسیل اول، تسخیر کردند.

سوریه، کشوری که اقوام گوناگونی در آن می‌زیستند و زیر سلطه سیاسی خارجیان و تأثیرهای فرهنگی گوناگون قرار داشت، تا آن هنگام بیشتر بعنوان صحنه برخوردهای فرهنگی

Photos © Paolo Matthiae, Italie

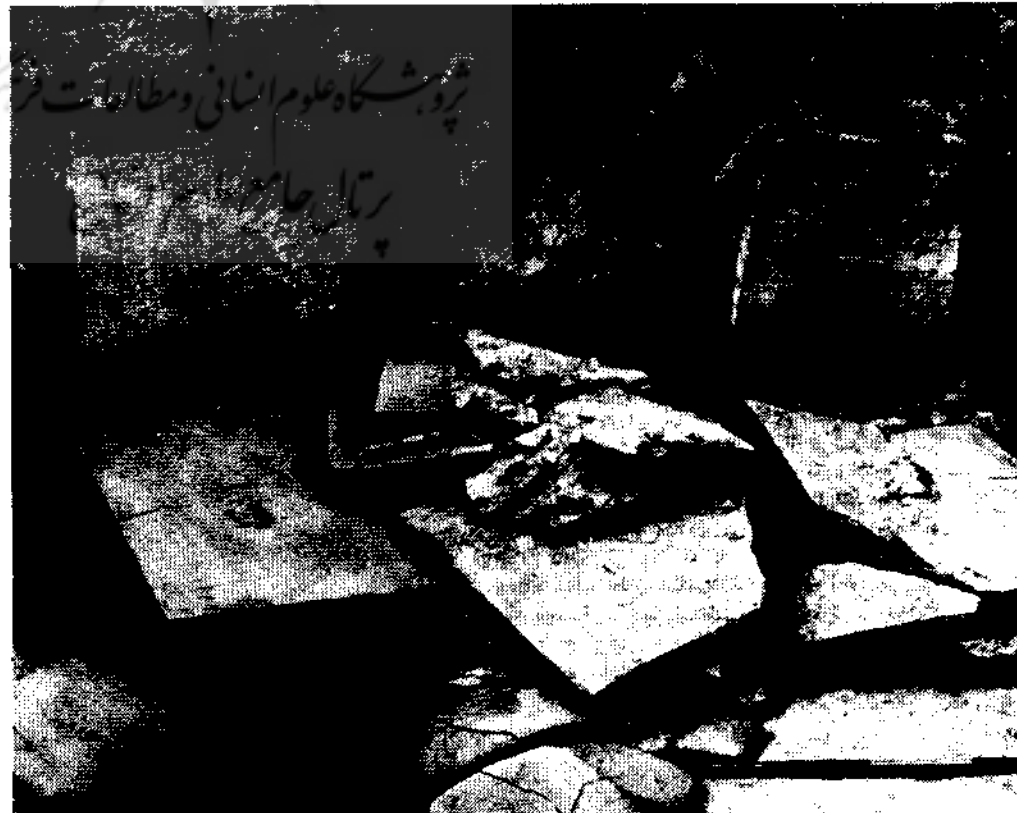


ساختهای شهری که در قل مردیخ ابلای در نزدیکی حلب از زیر خاک بیرون آمده، نشان‌دهنده ظرافت هنر معماری سوریه در دوران باستان است. در صفحه ۸، خرابه‌های پرستگاهی که مجسمه خدا در آن قرار داشت، در معبد بزرگی که در قرنهای ۱۸ و ۱۹ پیش از میلاد بر ابلای مشرف بوده است، دیده می‌شود. در تصویر کناری، آنچه که از محله مسکونی پایین شهر باقی مانده است به چشم می‌خورد: دیوارهای ضخیمی از خشت خام متعلق به خانه‌های يك طبقه‌ای که بر روی حیاطی بساز می‌شدند. این ساختمانها متعلق به دوره‌ای است که ابلای در حدود ۳۰،۰۰۰ نفر جمعیت داشته است (سالهای ۱۶۵۰ تا ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد). در عکس بالا يك مجسمه چوبی دیده می‌شود که با توجه به قدمتش، نزدیک ۴۳۰۰ سال، بطرز شگفت‌انگیزی محفوظ مانده است. این مجسمه در قصر سلطنتی ابلای پیدا شده و احتمالاً يك طرح تزئینی (به ارتفاع ۴۰ سانتیمتر) بصورت یکی از پادشاهان ابلای بوده است.



## کشفیات افسانه‌ی در ابلا

در ۱۹۶۸، هیئت باستانشناسان ایتالیایی ضمن کاوش تل-مردیخ، بکشی نائل آمده که ثابت می‌کرد شهری که کشف شده، همان ابلا اسرارآمیز دوران باستان است. دلیل این موضوع، وجود نیم‌تنه یک مجسمه شکسته، از جنس بازالت بود که بر روی آن بخط میخی و بزبان آکادی نوشته شده بود که این مجسمه از طرف شاهزاده ایبیت-لیم، پسر یکی از پادشاهان ابلا در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، به الهه ابشتار هدیه شده است. از آن شگفت‌انگیزتر، کشف بایگانی محفوظ در قصر سلطنتی ابلا (سمت چپ) بود که بسیاری از نوشته‌های آن دست نخورده باقی مانده است (عکس پایین). این اسناد به ۳۳۵۰ تا ۳۴۵۰ پیش از میلاد تعلق دارند. در این اسناد از خط میخی برای نوشتن بزبان ابلائی استفاده شده است. این زبان تاکنون ناشناخته بود و اینک متخصصان مشغول یافتن کلید این زبانند، زیرا از این بایگانی علاوه بر آمارهای اقتصادی و تجارتي ابلا، متون دیگری نیز بدست آمده است. از جمله معادله‌هایی از واژه‌ها و اصطلاحات سومری و ابلائی، نظیر همان سنگ‌نبشته مشهور شهر رشید در مصر، که خواندن متون هیروگلیفی مصر را ممکن ساخت.



Photos © Paolo Matthiae, Italie

قبل از میلاد، از ابلا بعنوان يك مركز پیشرفته

صنعت نساجی نام برده شده‌است.

در همان سال ۱۹۷۳، هیئت باستانشناسان

ایتالیایی بکاوش شیب غربی تل-مردیخ آغاز

کرد. باین امید که به آثار سازمان شهری

مهمی از هزاره سوم پیش از میلاد دست یابد.

پس از کاوشهایی که طی سه فصل

بعمل آمد، قسمتی از کاخ سلطنتی ابلا کشف

شد که می‌بایستی بین سالهای ۲۴۰۰ و ۲۲۵۰،

دراوج شکوختن بوده باشد. با کشف يك ردیف

کتیبه، معلوم شد کاخی که فارامسین، نوه

سارگون، خیر ویرانی آنرا در سال ۲۲۲۵

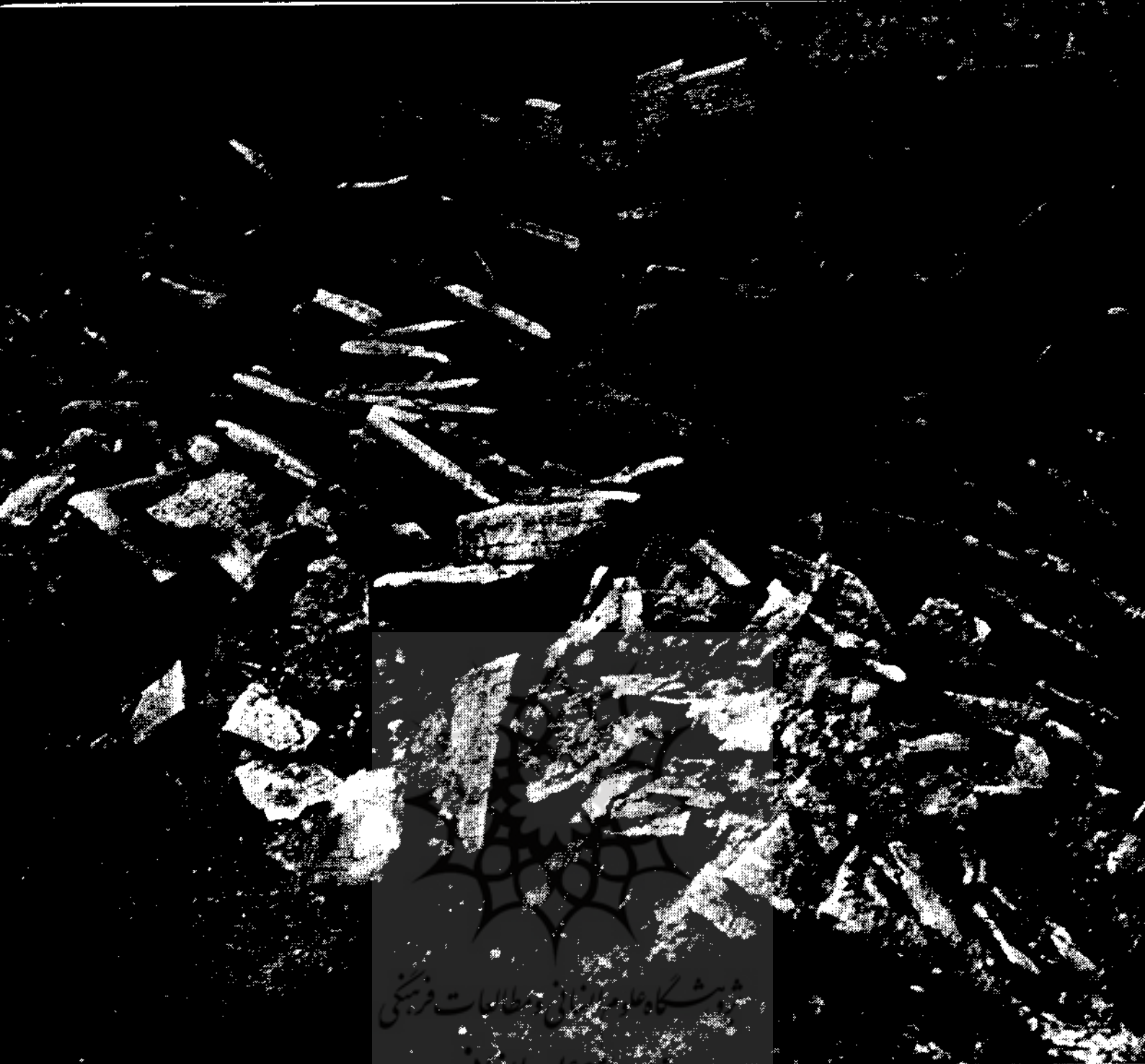
داده، در همین محل قرار داشته است.

این قسمت از قصر که از خاک بیرون

آمده، نمایش خارق‌العاده‌یی از هنر معماری

دوره اول سوریه است. تاکنون فقط يك محوطه

مخصوص باریابی مورد کاوش قرار گرفته که



مشگاه باستانی در حیات فرسنگی

طاقهایی با ستونهای بلند چوبی، آنرا دوره کرده‌اند.

در گوشه‌یی از این محوطه، سکویی هست که پادشاه در بارایی‌های رسمی بر آن می‌نشسته است. از طرف دیگر این محوطه، در بزرگی بروی قصر سلطنتی باز می‌شده است. از خود قصر سلطنتی تا بحال فقط دو تالار، يك پلکان بزرگ تشریفاتی با چهار نرده، و پله‌هایی که در قدیم مزین به سنگهای قیمتی بوده ولی امروز اثری از آنها نیست، و نیز آثاری از اتاقها و محوطه‌هایی که بمنوان انبار بکار می‌رفته، کشف شده است.

این قصر نشان دهنده درك كاملا بدیعی از کاخ‌سازی است: ضخامت پی ساختمان، گاه به ۲/۸۰ متر می‌رسد و دقت در تمام جزئیات کار همواره محسوس است. از برخی جنبه‌ها، همین نوع معماری را در کاخهای

آرامیها، در نخستین هزاره قبل از میلاد در شمال سوریه، باز می‌یابیم.

ولی حیرت‌انگیزترین نتایج کاوشها، کشف بایگانی رسمی بحروف میخی است، که در قصر قرار دارد. این مدارك دو مجموعه را تشکیل می‌دهند که در دو گوشه مختلف بارگاه در دخمه‌های در بسته‌یی قرار داده شده‌اند. یکی از آنها شامل هزار لوح و پاره لوح سنگی است و دیگری در حدود ۱۵۰۰۰ لوح و پاره لوح را در بر می‌گیرد.

این دو مجموعه از زیر دست سربازان ناراه‌سین که کاخ را ویران کردند، سالم بدر رفته است، ظاهراً به این دلیل که آنان کوچکترین ارزشی برای این لوحها قائل نبودند. مجموعه کوچکتر (که فقط در حدود ۱۰۰۰ لوح است) بهنگام فروریختن سقف و دیوارها، از تکیه‌گاه خود که بدیوار چسبیده بود، جدا شده است.

اما بنظر می‌رسد که مجموعه بزرگتر در اصل، بصورت دسته‌های هزارتایی روی طبقات چوبی چیده شده بودند. این طبقات روی ستونهایی از چوب قرار داشتند که در زمین فرو رفته بودند و بهنگام آتش‌سوزی قصر، سوختند و لوحها، بی‌آنکه نظمشان زیاد بهم بخورد، بزمین افتاده‌اند.

این لوحها به خط میخی و به زبان سومری و ابلائی است، و ابلائی زبانی از زبانهای سامی است که با زبانهای سامی گروه کنعانی، بویژه با زبان فنیقی وجوه اشتراك بسیار دارد، هر چند که هزار سال قدیمی‌تر از آنهاست.

کتیبه‌شناس هیئت ایتالیایی، جیووانی پتیناتو، استاد آشورشناسی در دانشگاه رم، به خواندن نوشته‌های ابلائی همت گماشت. او در ۱۹۷۴، با مطالعه کتیبه‌های معدودی که پیش از کشف بایگانی کامل بدست آمده، توانسته بود زبان

سامی تازه‌یی را کشف کند که به آن زبان «کنعانی قدیم» نام داده بود. بررسی مجموعه بایگانی، تعبیر اولیه جیورانی پشینانو را تأیید کرد. بدین ترتیب متون ابلائی بایگانی سلطنتی ابلا کمکی عظیم و استثنایی به مطالعه تکوین زبانهای سامی خواهد کرد.

مضمون عمده متون این بایگانی گزارشهای بازرگانی در زمینه تجارت بین‌المللی پارچه و فلزات است. در واقع، ابلا در سراسر بین‌النهرین به سبب پارچه‌هایش شهرت داشته است و لوحهای سنگی محفوظ در قصر سلطنتی، نوعی صورت صادرات پارچه است.

باید اشاره کنیم که در این مدارک، علاوه بر انواع مختلف پارچه به پارچه‌های زربفت، نیز اشاره می‌شوند که آشکارا بر طبق همین روشی بافته می‌شدند که امروزه در بافتن پارچه‌های «دمشق» بکار می‌رود و هنوز از مشخصات تولید پارچه در سوریه است.

لوحها، علاوه بر آنکه اطلاعات دقیقی در مورد مبادلات تجارتي در خاور نزدیک، در سومین هزاره قبل از میلاد بما می‌دهند، با بردن نام بسیاری از شهرهایی که این کالاها به آنجا فرستاده می‌شده اطلاعات فراوانی در مورد جغرافیای تاریخی همین دوره در اختیار ما می‌گذاردند. قلمرو تجارت ابلا از ساحل مدیترانه تا شرق بین‌النهرین و از آناتولی تا فلسطین گسترش داشته است.

ولی علاوه بر اینها، لوحهای ابلا عناصری از فرهنگ و واژه‌ها را نیز بدست داده‌اند که شامل فهرست لغات و اصطلاحات سومری و همچنین لغات دو زبانی است که نمونه‌هایی از تلفظ سومری آنها ذکر شده است.

علاوه بر این عناصر زبانشناسی که ارزش بسیار دارند، در لوحها اطلاعات گرانبایی در

مورد سازمان تعلیمات عمومی در این دوره وجود دارد.

متون مربوط به لغت‌شناسی بسی گفتگو ثابت می‌کند که تعلیمات تحت نظارت دولت بوده است (درست مثل بین‌النهرین در همین دوره). هدف دولت بخصوص تربیت کارکنان شایسته بوده است. در واقع در میان این لوحها، تکالیف مدرسه شاگردانی بدست آمده است که بعدها به اسم، به کارمندی دولت منصوب شده‌اند.

بالاخره این بایگانی همچنین حاوی مدارک اداری از نوع قضائی و سیاسی است. برخی از این متون به مدارک حسابداری اداری مربوط می‌شوند که چگونگی تشکیلات دولتی را در سطح پایین‌تر از «وزارتخانه‌ها»، دستگاه اداری و حکومتی ایالات، شالوده‌های مالی دولت و وصول مالیاتها را روشن می‌کنند.

در این اسناد، داده‌های جمعیتی، دستور-های سلطنتی در مورد مسائل حقوقی و اداری ناشی از امور مربوط به جانشینی یا تقسیم غنایم جنگی، وجود دارد. در میان اسناد دیپلماتیک بمعنای خاصی، باید از سه قرارداد بین‌المللی نام ببریم؛ بخصوص یکی از آنها که قراردادی میان ابلا و آشور است، چه به لحاظ بیان پیچیده مواد مختلف قرار داد و چه از نظر بیان روابط سیاسی میان دو کشور، ارزش قابل ملاحظه‌یی دارد.

از سوی دیگری، در بایگانی سلطنتی ابلا چند متن ادبی نیز بدست آمده که بنظر می‌رسد یکی از آنها روایت ابلائی بخشی از افسانه گیل‌گمش باشد که در بین‌النهرین رواج داشته است. گیل‌گمش یک قهرمان آشوری است که به جستجوی جاودانگی برآمده و احتمالاً پادشاه «اوروک» یا پادشاه «کیش» بوده است.

تعداد دیگری از متون، اسطوره‌ها، سرودهای مذهبی و دعاها و نذرها، به احتمال ترجمه متون سومری به زبان ابلائی بوده‌اند که ما با اصل آنها، از طریق نوشته‌های بین‌النهرین آشنا شده بودیم. نگارش متون بین‌النهرین پس از گذشت دورانی طولانی، در حوالی سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد، یعنی هنگامی صورت گرفت که زبان سومری دیگر زبان مرده‌یی بیش نبود.

این دستاورد عظیم، تمام نظرهایی را که تاکنون در مورد برخی از دوره‌های تاریخ خاور نزدیک مورد قبول بود، بکلی دگرگون ساخت. نتیجه تاریخی دیگری نیز قابل ذکر است و آن اینکه دودمانی بر ابلا فرمانروایی کرد که دست کم پنج پادشاه داشت؛ بنظر می‌رسد که این پادشاهان معاصر پادشاهان آکاد، از سارگون کبیر تا نارام‌سین، بوده‌اند.

این دودمان که خاطرهایش از یادها رفته بود، برخاور نزدیک، از مدیترانه تا شمال بین‌النهرین، حکومت می‌راند و از یک مسلک جهان گراملم بود - که شاید پادشاهان آکاد نیز بدان گرویدند. از این پس تقریباً یقین است که سرداری سلطنتی ابلا، برای نوشتن بزبان ابلائی، کار دشوار و پیچیده استفاده از خط میخی هجائی را که در بین‌النهرین برای نگارش زبان سومری اختراع شده بود، در پیش گرفت و با کامیابی به پایان برد.

با اکتشافهای ابلا، سوریه یکی از درخشانترین صفحات تاریخش را باز می‌یابد و بدین ترتیب در حرکت اولیه تمدن، در ردیف مصر و بین‌النهرین قرار می‌گیرد.

پائولوماتیه

### ظهور ناگهانی یکت هنر

قبل از کشف ابلا، از تولید هنری سوریه پیش از سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد، هیچگونه اطلاعی نداشتیم. اما از معابد ابلا، يك ردیف آلات سنگی، از جمله چند حوضچه نظیر کنگنه، بدست آمد که قدیمترین آنها متعلق به قرن بیستم قبل از میلاد است (به صفحه ۷ نگاه کنید). در عکس پائین دو عدد از این حوضچه‌ها دیده می‌شوند (در حدود ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد) که تزئینهای آن بشکل دو کتیبه

است که خاص هنر سوری است. درست راست کتیبه بالایی، صحنه يك ضیافت سنتی را نشان می‌دهد که در آن پادشاه و ملکه و بدببال ایشان خدمتکارانشان دیده می‌شوند. در کتیبه پائین، يك گله بز در حال حرکت بیچشم می‌خورد. اما در سمت چپ، بعکس صحنه‌ی اساطیری با حیوانات افسانه‌ی دیده می‌شود و زیر آن نقش واقع گرایانه‌ی قرار دارد که يك شکارچی را در تعقیب شیری که به يك گاو بز حمله برده است، مجسم می‌کند.

